

## تأملی در روایات نکوهش عبدالله بن عباس در برخی منابع متقدم شیعی

سید جعفر صادقی<sup>۱</sup>  
 عبدالهادی فقهی زاده<sup>۲</sup>  
 علی رضا دل افکار<sup>۳</sup>

### چکیده

ابن عباس از مشاهیر صحابه در تفسیر و روایت است که با القاب و عناوین برجسته‌ای از او یاد شده است. علی‌رغم نقل اخبار فراوان از او در منابع شیعی و همسویی بخشی از این روایات با عقاید شیعه، در برخی منابع متقدم امامیه روایات قدح‌آمیزی در مذمت او وجود دارد که خیانت به امام علی علیه السلام و لعن از سوی ایشان و مذمت از سوی برخی امامان و بزرگان شیعه از جمله آن‌هاست. اما تحلیل این روایات و تطبیق آن‌ها با سایر اخبار مشابه یا هم‌مضمون و روایات نقل شده در باره مشی سیاسی و اجتماعی ابن عباس و همراهی او با امام علی علیه السلام و امام حسن علیه السلام و همسویی او با مواضع اهل بیت تا پایان حیاتش، نشان دهنده آن است که روایات قدح‌آمیز در باره ابن عباس احتمالاً از سوی امویان یا زبیریان برای تخریب جایگاه علویان جعل شده که برخی از آن‌ها به منابع شیعه نیز راه یافته است.

کلیدواژه‌ها: روایات، نکوهش، عبدالله بن عباس، مفسر، منابع متقدم، شیعه.

### ۱. بیان مسأله

عبدالله بن عباس عموزاده پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله سه سال پیش از هجرت در شعب

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث (نویسنده مسئول) (sjsadeghi2013@yahoo.com).

۲. استاد دانشگاه تهران (faghhezad@ut.ac.ir).

۳. استادیار دانشگاه پیام نور تهران جنوب (delafkar@pnu.ac.ir).

۴. الکامل، ج ۳، ص ۱۹۳.

ابی طالب زاده شد.<sup>۵</sup> اندکی پس از فتح مکه خانواده وی به مدینه هجرت کردند.<sup>۶</sup> گفته شده است که هنگام درگذشت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، عبدالله ۱۰ یا ۱۳ یا ۱۵ سال داشته است.<sup>۷</sup> او در سال ۶۸ هجری از دنیا رفت و در طائف مدفون شد.<sup>۸</sup> ابن عباس را از مکشران روایت دانسته اند<sup>۹</sup> که در منابع روایی و رجالی از او با تعبیری چون عالم، فقیه، صحابی،<sup>۱۰</sup> ترجمان القرآن،<sup>۱۱</sup> حبر الأمة،<sup>۱۲</sup> رئیس المفسرین،<sup>۱۳</sup> فقیه العصر و امام التفسیر<sup>۱۴</sup> معرفی شده است. از سوی دیگر، روایات چشم گیری در منابع شیعی از ابن عباس نقل شده است که شمار قابل توجهی از این اخبار در فضیلت اهل بیت و همسوبا عقاید امامیه بوده است.<sup>۱۵</sup> در منابع تفسیری متقدم شیعه نیز بیشتر اخبار منقول از ابن عباس در تأیید عقاید خاص شیعه، مانند تحکیم امامت و ولایت امام علی علیه السلام و فرزندان او و فضایل ایشان است.<sup>۱۶</sup> از سوی دیگر تعداد روایات تفسیری منقول از ابن عباس در کتب تفسیری شیعه قابل توجه است؛ چنان که در التبیان طوسی حدود ۱۸۰۰ روایت از وی نقل شده<sup>۱۷</sup> و مؤلف مجمع البیان حدود ۱۰۰۰ روایت بدان افزوده است.<sup>۱۸</sup>

با این همه، با بررسی منابع رجالی و روایی شیعه، به روایاتی برخورد می کنیم که بر قدح ابن عباس و ضعف وی دلالت دارند که با رویکرد عالمان شیعه در مواجهه با روایات او و همچنین مضامین منقولات وی در فضیلت امام علی علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام سازگاری ندارند. روایات جرح ابن عباس از این جهت قابل توجه هستند که در برخی منابع متقدم شیعی از

۵. تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۱۸۵.

۶. الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۲۷۷.

۷. ذخائر العقبی، ص ۲۲۶.

۸. مشاهیر علماء الأمصار، ص ۲۸.

۹. مسند ابن راهویه، ج ۲، ص ۴۸.

۱۰. معجم المؤلفین، ج ۶، ص ۶۶.

۱۱. الاتقان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۴۹۴.

۱۲. أنساب الأشراف، ج ۴، ص ۲۷.

۱۳. سعد السعود، ص ۲۶۷.

۱۴. سیر اعلام النبلاء، ج ۳، ص ۳۳۲.

۱۵. برای نمونه رک: الإرشاد، ج ۱، ص ۳۳، ۳۸، ۴۷؛ الامالی، ص ۲، ۱۱، ۱۵، ۳۲، ۳۶، ۵۷.

۱۶. برای نمونه رک: تفسیرابی حمزه ثمالی، ص ۲۵۶، ۳۲۰، ۳۳۵؛ کتاب التفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۴۸، ۲۸۹، ۳۳۱.

۳۳۵؛ تفسیر القمی، ج ۲، ص ۲۱۲، ۳۰۱، ۳۳۸؛ تفسیر فرات، ص ۲۰، ۴۷-۵۰، ۵۳.

۱۷. التبیان فی تفسیر القرآن، سراسر منبع.

۱۸. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، سراسر منبع.

جمله رجال کثی نقل شده‌اند. براین اساس ضروری است، محتوای این اخبار مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته، با سایر اخبار مشهور و منش سیاسی-اجتماعی ابن عباس تطبیق داده شده و مورد ارزیابی قرار گیرد. در این مقاله به دنبال دست‌یابی به نتیجه این ارزیابی هستیم.

## ۲. خیانت ابن عباس و لعن او از سوی امام علی علیه السلام

### ۲-۱. تقریر روایات

طبق برخی نقل‌های تاریخی، روابط ابن عباس با امام علی علیه السلام در اواخر حیات خلیفه چهارم، به تیرگی گرایید. این روایات در منابع اهل سنت به گستردگی نقل شده است که برای بررسی روایات نقل شده در منابع شیعی، ضروری است ابتدا روایات اهل سنت بیان شود. مورخان اهل سنت، سبب تیرگی روابط امام علی علیه السلام و ابن عباس را مسائل مالی دانسته‌اند. طبری در این باره نوشته است: «روزی عبدالله بن عباس برابر ابوالاسود دؤلی گذشت و به او گفت اگر در شمار چهار پایان بودی، بار بردار نبودی و اگر چوبان بودی به چراگاه نمی‌رسیدی و راه رفتن چهار پایان را نمی‌دانستی. این بود که ابوالاسود به علی نوشت: خداوند جل و علا تو را بر ولایت داری امین و چوپانی تسلط داده است؛ ما تو را آزموده‌ایم که سخت امین و خیرخواه رعیتی؛ غنیمتشان را تمام می‌دهی و خویشان را از دنیای آن‌ها بر کنار کرده‌ای؛ اموالشان را نمی‌خوری و در قضاوتشان به رشوه متمایل نمی‌شوی؛ اما عموزاده‌ات بی‌خبر از تو، هر چه را زیر دستش بوده خورده و من نمی‌توانم آن را کتمان کنم؛ خدایت رحمت کند، در کار این جا بیاندیش و رأی خود را به من بنویس تا آن را انجام دهم. علی به او نوشت: اما بعد، کسی همچون تو، خیرخواه امام و امت است و امانت‌گذار و راهبر حق هستی؛ به یارت در باره آنچه که در باره کارش نوشته بودی نامه نوشتیم، اما نگفته‌ام که تو نامه نوشته‌ای؛ مرا از آنچه که در آن جا می‌گذرد آگاه کن که این تکلیف بر عهده توست. علی در این موضوع به ابن عباس نامه نوشت و ابن عباس به او پاسخ داد: اما بعد؛ آنچه که به تراز من رسیده درست نیست و من آنچه را که در دست دارم ضبط کرده‌ام و مراقب و حافظ آن هستم؛ پندارها را راست مگیر. علی به او نوشت: به من بگو چه مقدار جزیه گرفته‌ای و از کجا گرفته‌ای در چه راهی مصرف کرده‌ای؟ ابن عباس نوشت: فهمیدم که به شنیده‌ها در باب این که اموال مردم این سرزمین را برده‌ام اعتبار داده‌ای؛ هر که را می‌خواهی برای عمل خود به این جا بفرست که من از این جا می‌روم. ابن عباس دایی‌های خود را از طایفه بنی هلال فراخواند که از میان آن‌ها ضحاک بن عباس و عبدالله بن زرین آمدند و او مالی با خود بُرد و

در حدود بیست نفر با او به سوی مکه حرکت نمودند.<sup>۱۹</sup> ابن جوزی در گزارش حوادث سال ۴۰ هجری آورده است که در این سال عبدالله بن عباس از بصره خراج شد و به مکه رفت. وی گفته است: بین ابن عباس و ابوالاسود سخنانی رد و بدل شد و ابوالاسود نامه‌ای به خلیفه نوشت و ادعا کرد که ابن عباس اموالی را که در اختیارش بوده، به باطل خورده است. امام علی علیه السلام به ابن عباس نامه نوشت و او نیز در پاسخ گزارش ابوالاسود را دروغ خواند. سپس اموالی را برداشت و از آن جا رفت.<sup>۲۰</sup>

مشابه همین گزارش در *الکامل فی التاریخ* نیز ذکر شده است.<sup>۲۱</sup> ابن قتیبیه نیز گفته است که نامه‌ای از امام علی علیه السلام خطاب به ابن عباس را یافته است که در هنگام برداشتن اموال بصره به وی نوشته بود. امام علی علیه السلام در این نامه از اعتماد خود به ابن عباس و شریک کردن وی در امانت خویش گفته و از کار وی در برداشتن اموال گلایه کرده است.<sup>۲۲</sup> در میان منابع شیعی، اختیار معرفة الرجال به ذکر این واقعه و گزارش نامه‌های مبادله شده بین امام علی علیه السلام و ابن عباس پرداخته است.

در میان مؤلفان شیعی، نخستین کسی که چنین روایتی را نقل کرده، کشی بوده است. وی در روایت از سرقت اموال بصره از سوی ابن عباس و مفارقت وی از امام علی علیه السلام خبر داده است. کشی به اسنادش از زهری نقل می‌کند که از حارث شنیدم هنگامی که علی، عبدالله بن عباس را بر بصره نهاده بود، ابن عباس تمام اموال بیت المال بصره را که مبلغ آن ده هزار درهم می‌رشد با خود به مکه برد و علی را ترک نمود؛ هنگامی که این خبر به علی رسید، بر منبر رفت و گریه نمود و گفت: این که پسر عموی رسول خدا با این علم و منزلت چنین کاری را مرتکب می‌شود، چگونه می‌توان به غیر او امان داشت؟ بار خدایا من از این‌ها خسته شده‌ام، مرا از آنان راحت گردان و بدون ناتوانی و اندوه به سوی خود ببر.<sup>۲۳</sup>

کشی در ادامه از قول شیخی از اهل یمامه از معلی بن هلال از شعبی، مکاتبات امام علی علیه السلام و ابن عباس را ذکر کرده است. ابن عباس در پاسخ نامه، حق خود را بیش از آنچه از اموال بیت المال بصره برداشته ذکر کرده و امام علی علیه السلام نیز ضمن دروغ‌شماری این ادعا،

۱۹. تاریخ الأمم والملوک، ج ۴، ص ۱۰۸.

۲۰. المنتظم فی تاریخ الأمم والملوک، ج ۵، ص ۱۶۳.

۲۱. الکامل فی التاریخ، ج ۳، ص ۳۸۶.

۲۲. عیون الأخبار، ج ۱، ص ۱۲۱.

۲۳. اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۲۷۹.

شگفتی خود را از آن ابراز نموده است. نامه نهایی را ابن عباس در حالی به امام علی علیه السلام می نویسد که از کردار خود پشیمان نیست.<sup>۲۴</sup> ابوالفرج اصفهانی نیز خبری مشابه مضمون خبر کشتی نقل کرده و گفته است که موضوع سرقت اموال را ابوالاسود به امام علی علیه السلام گزارش داده و در پی آن ابوالاسود به ولایت بصره منصوب شده است.<sup>۲۵</sup>

کشتی در میان روایات مربوط به عبدالله بن عباس روایتی آورده است که براساس آن امام علی علیه السلام، با عبارت مبهم «ابنی فلان» دو نفر را لعن نموده است. متن روایت چنین است: «روی محمد بن عیسی بن عبید، عن محمد بن سنان، عن موسی بن بکر الواسطی، عن الفضیل بن یسار، عن ابي جعفر قال، سمعته يقول: قال أمير المؤمنين: اللهم العن ابني فلان، وأعمم أبصارهما، كما عميت قلوبهما الأجلین فی رقبتی واجعل عمی أبصارهما دلیلاً علی عمی قلوبهما.»<sup>۲۶</sup> بنو فلان در روایات کنایه از بنی عباس است<sup>۲۷</sup> که براین اساس کشتی این روایت را کنایه از دو فرزند عباس دانسته و در میان اخبار مربوط به عبدالله بن عباس ذکر نموده است. زیرا عبدالله و عبیدالله هر دو نابینا بودند.<sup>۲۸</sup>

براین اساس شماری از دانشمندان، معتقدند که ابن عباس در اواخر دوره خلافت امام علی علیه السلام، از او رویگردان شد؛ برای مثال، در اعیان الشیعه از قول احمد امین مصری آمده است: ابن عباس نخست، یار امام علی علیه السلام بود، اما در ادامه به معاویه پیوست.<sup>۲۹</sup> ملاصالح مازندرانی نیز بر آن است که ابن عباس در ابتدا از اهل امانت و دیانت بود؛ ولی سپس حال وی دگرگون شد و امانتش از میان رفت و دیانتش به فساد گرایید و امام علی علیه السلام وی را در مواضعی ذمّ نمود.<sup>۳۰</sup>

## ۲-۱. نقد روایات

در نقد این روایات نکاتی قابل تأمل وجود دارد که اشاره می کنیم:

الف. یکی از مشکلاتی که قضاوت در باره صحت و سقم این اخبار را دشوار می سازد، آن

۲۴. همان، ص ۲۷۹ و ۲۸۰.

۲۵. الأغانی، ج ۱۲، ص ۴۸۳.

۲۶. اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۲۷۰.

۲۷. الوافی، ج ۲، ص ۴۵۱.

۲۸. المعارف، ص ۱۲۱.

۲۹. اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۶۸.

۳۰. شرح أصول الكافی، ج ۶، ص ۴.

است که در باره بقای امارت ابن عباس بر بصره نظر واحدی یافت نمی‌شود. از دیدگاه منکران اتهام سرقت اموال بصره از سوی ابن عباس، وی تا زمان ضربت خوردن و شهادت امام علی علیه السلام در بصره مانده و امیر آن شهر بوده است. بلاذری در گزارش آورده است که ابن عباس تا شهادت امام علی علیه السلام یا پیمان امام حسن علیه السلام و معاویه همچنان بر امارت بصره باقی بود.<sup>۳۱</sup> در الاصابه نیز آمده است که ابن عباس تا زمان شهادت امام علی علیه السلام در بصره بود و پس از آن، عبدالله بن حارث را جانشین خود کرد و خود به حجاز رفت.<sup>۳۲</sup> در اخبار القضاة آمده است که ابن عباس تا شهادت امام علی علیه السلام در بصره حضور داشت و حتی شاهد پیمان امام حسن علیه السلام مجتبی و معاویه نیز بود. ابن عباس سپس مجدداً به بصره بازگشت و پس از آن اموال شخصی خود را از بصره جمع و حمل نمود.<sup>۳۳</sup> در المنتظم از قول ابو عبیدة آمده است که اموالی که ابن عباس برد، ارزاق وی بود که تا آن زمان جمع شده بود. وی در روایتی دیگر تأکید کرده است که ابن عباس تا زمان قتل امام علی علیه السلام، به هیچ روی از بصره حرکت نکرد و [پس از قتل امام علی علیه السلام] به سوی امام حسن علیه السلام رفت و حتی شاهد صلح او و معاویه بود؛ سپس به بصره بازگشت و اموال خود و اندکی از اموال بیت المال را به مکه برد و گفت که این ارزاق از آن خود من است.<sup>۳۴</sup>

اما برخی با صحیح دانستن روایات مفارقت امام علی علیه السلام و ابن عباس، بر عزل وی از سوی خلیفه و صحت اخبار سرقت تأکید ورزیده‌اند. مدائنی گفته است: هنگامی که علی به قتل رسید، ابن عباس در مکه بود. (همان) ابن اثیر، با ذکر دو دیدگاه بر آن است که گزارش خروج ابن عباس از بصره و رفتن او به مکه [قبل از قتل امام علی علیه السلام] صحیح است.<sup>۳۵</sup> ابن اثیر هم خبری را ذکر کرده است که حاکی از عزل ابن عباس از سوی امام علی علیه السلام و پیوستن او به معاویه خبر داده است.<sup>۳۶</sup>

یکی از علل اختلاف نظر دانشمندان و مورخان در باره این موضوع این است که در شماری از گزارش‌های تاریخی میان عبدالله بن عباس و برادرش عبیدالله خلط صورت گرفته است. چنان که مدائنی گفته است: «شاهد صلح حسن و معاویه، عبیدالله بن عباس

۳۱. انساب الاشراف، ج ۲، ص ۱۷۶.

۳۲. الاصابه فی تمیز الصحابه، ج ۴، ص ۱۲۹.

۳۳. أخبار القضاة، ج ۱، ص ۲۸۹.

۳۴. المنتظم فی تاریخ الأمم والملوک، ج ۵، ص ۱۶۴.

۳۵. الکامل فی التاریخ، ج ۳، ص ۳۸۶.

۳۶. البدایة و النهایة، ج ۸، ص ۳۳۵.

بود.<sup>۳۷</sup> ابوزید نیز پنداشته است که هنگام قتل علی، ابن عباس در مکه بود و شاهد صلح امام حسن علیه السلام و معاویه، عبیدالله بن عباس بود.<sup>۳۸</sup> ابن اثیر و ابن حیان نیز همین مضمون را ذکر نموده‌اند.<sup>۳۹</sup>

چنین مسأله‌ای در باره برخی موضوعات دیگر نیز رخ داده است؛ برای مثال، ابن جوزی در باره حوادث سال ۳۹ هجری نوشته است: «در باره کسی که امارت حج را در این سال داشت، عالمان اختلاف کرده‌اند؛ گفته‌اند عبیدالله بن عباس بود؛ نیز گفته‌اند عبدالله بن عباس بود.»<sup>۴۰</sup> طبری اختلاف عالمان را در این که حج گزارنده با مردم در آن سال عبیدالله بوده یا عبدالله، ذکر نموده است.<sup>۴۱</sup>

براین اساس برخی این احتمال را طرح می‌کنند که شاید موضوع سرقت اموال بصره، ناشی از خیانت برادر عبدالله بن عباس باشد که عبیدالله نام داشت و عامل امام علی علیه السلام بر یمن بود.<sup>۴۲</sup> به گفته یعقوبی عبیدالله در دوره خلافت امام حسن علیه السلام، از فرماندهان ارشد او بود. برخی گفته‌اند که معاویه نزد عبیدالله بن عباس فرستاد و برای او یک میلیون درهم قرار داد، پس او با هشت هزار از همراهانش نزد معاویه رفت.<sup>۴۳</sup> در عین حال، طبری عبدالله بن عباس را از فرماندهان امام حسن علیه السلام ذکر کرده است که با معاویه نامه نوشت و از او امان خواست. او چنین آورده است: «پس از قتل علی اهل عراق فرزندش حسن را به خلافت گزیدند؛ حسن نمی‌خواست نبرد کند و می‌خواست آنچه برای خود می‌تواند از معاویه بستاند... چون قیس بن سعد را با خود در این باره همراه ندانست از او جدا شد و امارت بر عبدالله بن عباس داد؛ عبدالله چون از خواسته شخصی حسن مطلع شد، به معاویه نامه نوشت و از او امان خواست...»<sup>۴۴</sup> افزون بر آشفتگی مضامین این اخبار، نکته قابل توجه آن است که هم خبر کشی در باره سرقت اموال بصره از سوی ابن عباس از قول شخصی به نام زهری نقل شده است و هم اخباری که از امان خواستن عبدالله از معاویه حکایت دارند.

۳۷. المنتظم فی تاریخ الأمم والملوک، ج ۵، ص ۱۶۴.

۳۸. تاریخ الأمم والملوک، ج ۴، ص ۱۰۹.

۳۹. الکامل فی التاریخ، ج ۳، ص ۳۸۶؛ أخبار القضاة، ج ۱، ص ۲۸۹.

۴۰. المنتظم فی تاریخ الأمم والملوک، ج ۵، ص ۱۶۰.

۴۱. تاریخ الأمم والملوک، ج ۴، ص ۱۰۴.

۴۲. شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۱۷۱.

۴۳. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۱۴.

۴۴. تاریخ الأمم والملوک، ج ۴، ص ۱۲۱؛ برای آگاهی از روایتی دیگر، رک: همان، ص ۱۲۴.

نکته قابل توجه آن که ابن ابی الحدید پس از ذکر گزارش سرقت اموال بصره و مکاتبات مربوط به بیان دو قول در باره ابن عباس و مفارقت یا ملازمتش با امام علی علیه السلام پرسیده است: اگر چنین خیانتی از ابن عباس سرزده بود، چرا معاویه او را فریب نداد و به سمت خود جذب نکرد؟ حال آن که او بسیاری از عمال امام علی علیه السلام را به سمت خود کشانده بود!<sup>۴۵</sup>

ب. برخی گزارش های مربوط به سرقت اموال بصره و اخبار مشابه را در باره ابن عباس ناشی از حسادت نسبت به وی دانسته اند.<sup>۴۶</sup> چنان که یکی از محققان منشأ این اخبار را دشمنی آل مروان و آل زبیر با ابن عباس دانسته است.<sup>۴۷</sup> عده ای نیز ریشه این گونه اخبار را در دشمنی بنی امیه با بنی هاشم جست و جو کرده اند. این عده با استناد به لعن ابن عباس از سوی معاویه بعد از هر نماز همراه با امام علی علیه السلام، حسن بن علی علیه السلام و قیس بن عباد و مالک اشتر، آن را دلیل بردشمنی معاویه و مهم ترین سبب جعل اخبار کذب علیه او دانسته اند.<sup>۴۸</sup>

ج. مشی ابن عباس در دوره حیات امام علی علیه السلام چنان است که پذیرش روایات خیانت وی را دشوار می سازد. گرچه روابط خلیفه دوم را با ابن عباس بسیار تنگاتنگ گزارش نموده اند.<sup>۴۹</sup> مادلونگ در تحلیل این رفتار خلیفه دوم معتقد است که عمرتلاش می کرد عبدالله را به عنوان «نماینده» طایفه هاشمیان به درون دار و دسته خویش کشاند و با خود همراه سازد؛ در حالی که عبدالله از این امر دوری می نمود.<sup>۵۰</sup> از سوی دیگر در نقل های تاریخی، از پدر و برادران ابن عباس در میان گروهی از مهاجران و انصار یاد شده است که از بیعت با ابوبکر سرباز زدند و به علی بن ابیطالب تمایل نمودند.<sup>۵۱</sup> روایت مشهور مربوط به سقیفه و کنار زدن امام علی از سوی اجتماع کنندگان در این مکان از قول ابن عباس نقل شده است که متن این خبر حاکی از افسوس شدید ابن عباس در هنگام نقل واقعه برای سعید بن جبیر است.<sup>۵۲</sup> برخی روایات بیان گرآنند که ابن عباس به صراحت خلافت را حق امام علی علیه السلام می دانسته است و از گفتن آن به خلیفه دوم نیز ابایی نداشته است.<sup>۵۳</sup>

۴۵. شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۱۷۱.

۴۶. الدرجات الرفیعة فی طبقات الشیعة، ص ۱۰۱.

۴۷. ابن عباس و أموال البصرة، ص ۸۱.

۴۸. معجم رجال الحدیث، ج ۱۱، ص ۲۵۴.

۴۹. البدایة و النهایة، ج ۸، ص ۳۲۶.

50. The succession to Muhammad A study of the early Caliphate, p19.

۵۱. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۲۴.

۵۲. تاریخ الأمم و الملوک، ج ۲، ص ۴۳۶.

۵۳. شرح نهج البلاغه، ج ۶، ص ۴۵.

با ابن حال شاید نتوان مشی ابن عباس در دوره سخ خلیفه نخست را به دلیل صغر سن وی معیار قطعی برای سنجش میزان وفاداری او به امامان شیعه دانست، اما در دوره خلافت امام علی علیه السلام و پس از آن در این زمینه تعیین کننده خواهد بود. به خصوص بررسی دوران حکومت امام علی علیه السلام و امام حسن علیه السلام به سبب وقوع حوادث فتنه انگیز و پیچیده بسیار قابل تأمل و توجه است. اندکی بعد از آغاز خلافت، هنگامی که امام علی علیه السلام با شورش جمعی از سران صحابه و یکی از همسران پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله مواجه شد <sup>۵۴</sup> عبدالله بن عباس همراه با کسانی چون مالک اشتر در جمع یاران امام علی علیه السلام بودند. <sup>۵۵</sup> عبدالله بن عباس در این رویارویی نمایندگی جبهه امام علی علیه السلام را در انجام مذاکره با نمایندگان شورشیان بر عهده داشت. <sup>۵۶</sup> پس از نبرد سپاه امام علی علیه السلام و شورشیان که با پیروزی سپاه خلیفه به پایان رسید، عبدالله بن عباس بر بصره امارت یافت. <sup>۵۷</sup>

پس از جنگ جمل و سرکوب شورشیان از سوی خلیفه، برخلاف رویه معمول در مواجهه با خلفای پیشین، فرماندار شام، معاویه پسر ابوسفیان، از بیعت با امام علی علیه السلام سر باز زد. <sup>۵۸</sup> بنا بر این میان سپاه شام و خلیفه نبرد در گرفت؛ ابن عباس در این نبرد به حمایت مطلق از او وارد نبرد شد؛ چنان که در روز پنجم از نبرد، ولید بن عقبه از سوی شامیان و عبدالله بن عباس از سوی سپاه عراق وارد مبارزه رو در رو شدند و نبردی شدید نمودند. <sup>۵۹</sup> هنگامی که نبرد برای شامیان مغلوبه می شد، قرآن ها را بر سر نیزه کردند و با خدعه از عراقیان خواستند که قرآن میان دو گروه حکم کند؛ از این رو بنا شد از هر گروه یک تن حکم انتخاب شود که شامیان عمرو بن عاص را برگزیدند و کسانی از اهل عراق که بعداً خوارج نامیده شدند، ابوموسی اشعری را پیشنهاد دادند. امام علی علیه السلام آنان را از این انتخاب حذر داد و تلاش کرد ابن عباس یا اشتر را معرفی کند که ایشان نپذیرفتند. <sup>۶۰</sup> بدیهی است که توجه به این گزارش ها، پذیرش خیانت ابن عباس به امام علی علیه السلام را تضعیف می نماید.

د. از دیدگاه برخی دانشمندان، مشی ابن عباس پس از قتل امام علی علیه السلام، موجب رد اتهام

۵۴. الکامل فی التاریخ، ج ۳، ص ۲۰۵.

۵۵. تاریخ الأمم والملوک، ج ۳، ص ۴۹۷.

۵۶. الکامل فی التاریخ، ج ۳، ص ۲۴۲.

۵۷. تاریخ الأمم والملوک، ج ۳، ص ۵۴۶.

۵۸. المنتظم فی تاریخ الأمم والملوک، ج ۵، ص ۹۷.

۵۹. تجارب الامم، ج ۱، ص ۵۲۰.

۶۰. المنتظم فی تاریخ الأمم والملوک، ج ۵، ص ۱۲۲.

سرق می شود. برای نمونه ابن ابی الحدید نوشته است: «کسی که آشنایی اندکی با سیره و تاریخ داشته باشد می بیند که ابن عباس بعد از علی مناظرات زیادی با معاویه داشته که در همه آن ها به ثنای وی او دفاع از او و بیان فضایل و مناقبش می پردازد... اگر بین این دو، غبار و کدورتی وجود داشت، ابن عباس بعد از علی این چنین از او دفاع نمی نمود.»<sup>۶۱</sup> همچنین غالب دانشمندان شیعه معتقدند که حیات ابن عباس در دوران پس از امام علی علیه السلام بر محور دوستی او دایر بود که این مانع از پذیرش اخبار اتهام است. چنان که برخی معتقدند ابن عباس مردی عاقل و مورد تعظیم بوده است و نسبت دادن چنین عمل پست و بی ارزشی به او اتهامی کذب است.<sup>۶۲</sup> مؤلف منتقی المقال موقعیت ابن عباس را اجل از این گونه اتهامات دانسته و وی را از محبان امام علی علیه السلام بر شمرده است.<sup>۶۳</sup> به گفته ابن شهر آشوب، ابوصالح گفته است: ابن عباس در هنگام درگذشت گفت: اللهم انی أتقرب إلیک بولایة علی بن أبی طالب.<sup>۶۴</sup> همچنین از گریه فراوان ابن عباس بر امام علی علیه السلام سخن ها گفته اند.<sup>۶۵</sup> تا آن جا که برخی دلیل نابینایی او را گریه بر امام علی علیه السلام و حسنین علیهم السلام دانسته اند.<sup>۶۶</sup> آیه الله خوبی پس از ذکر روایت کثی می نویسد: این اخبار از سوی عامه نقل شده و دلیل آن ها ملازمت ابن عباس با امام علی علیه السلام و به همین سبب دشمنی امویان با وی است.<sup>۶۷</sup> در این میان روایات زیادی در منابع شیعی وجود دارد که از علاقه شدید ابن عباس به امام علی علیه السلام پس از قتل او دلالت دارد؛ برای مثال، ابن مردویه از ابن عباس نقل می کند که روزی شنید که قُرشیان در مجلس خود به امام علی علیه السلام دشنام می دهند. به نزد آنان رفت و خطاب به آنان گفت: کدام یک از شما پیامبر خدا را سب می کند؟ گفتند: سبحان الله! سب کننده پیامبر خدا کافر است. ابن عباس گفت: کدام یک از شما علی بن ابی طالب را دشنام می دهد؟ سب کننده را به وی نشان دادند. ابن عباس گفت: شاهد باشید که از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله شنیدم که گفت: من سب علیاً فقد سبنتی، ومن سبنتی فقد سب الله.<sup>۶۸</sup> برخی دانشمندان سنی نیز در

۶۱. شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۱۶۹.

۶۲. دراسات و بحوث فی التاریخ و الإسلام، ج ۴، ص ۱۲۸.

۶۳. منتهی المقال فی احوال الرجال، ج ۴، ص ۱۹۷.

۶۴. مناقب آل أبی طالب، ج ۳، ص ۴، به نقل از الفردوس دیلمی.

۶۵. الغدیر، ج ۲، ص ۴۵.

۶۶. مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۳، ص ۱۰۱؛ الغدیر، ج ۲، ص ۴۵.

۶۷. معجم رجال الحدیث، ج ۱۱، ص ۲۵۴.

۶۸. مناقب علی بن أبی طالب و ما نزل من القرآن فی علی علیه السلام، ص ۸۲.

ذکر روایات مربوط به علاقه ابن عباس به امام علی علیه السلام پس از قتل او، با دانشمندان شیعه هم‌داستان شده‌اند.<sup>۶۹</sup>

هـ. افزون بر موارد ذکر شده اشکالات و ابهامات دیگری نیز در صورت پذیرش اخبار سرقت اموال بصره از سوی ابن عباس وجود دارد. از جمله آن که یکی از محققان گفته است که در مناظرات و مکاتبات عباسیان با مخالفان و نیز دشمنان امام علی علیه السلام از چنین اتهامی گزارشی ثبت نشده است.<sup>۷۰</sup> همچنین با وجود هنگامت بودن اموال یاد شده، از مسأله ثروتمندی ابن عباس در منابع تاریخی سخنی به میان نیامده است.

و. اشکالات سندی نیز در این روایات وجود دارد؛ برای مثال آیه الله خویی روایت لعن ابن عباس و برادرش را که با عبارت مبهم «ابنی فلان» آمده بود، از نظر سندی ضعیف دانسته است. به گفته وی علاوه بر این که طریق کشی به محمد بن عیسی بن عبید مجهول است، محمد بن سنان و موسی بن بکر واسطی نیز تضعیف شده‌اند.<sup>۷۱</sup>

## ۲. نکوهش ابن عباس از سوی امام حسن علیه السلام

### ۱-۲. تقریر روایت

اخباری در میان منابع شیعی یافت می‌شود که از نکوهش ابن عباس از سوی علویان سرشناس حکایت دارد؛ برای مثال، کشی روایتی نقل کرده است که از نکوهش ابن عباس از سوی امام حسن علیه السلام مجتبی حکایت می‌کند؛ طبق این روایت طاووس گفته است: بر سفره ابن عباس بودیم و محمد بن حنفیه هم حاضر بود. ناگهان ملخی فرود آمد و محمد آن را برگرفت و گفت: آیا می‌دانید این نقاط سیاه در بالهای این ملخ چیست؟ ما گفتیم: خداوند از همه داناتر است. گفت: علی بن ابی طالب به من خبر داد که من با پیامبر صلی الله علیه و آله بودم که به من گفت: ای علی، آیا می‌دانی این نقطه‌های سیاه در روی بالهای ملخ چیست؟ من گفتم: خداوند و رسولش داناترند. پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: در بالهای ملخ نوشته شده: من خداوند، صاحب همه جهانیانم و این ملخها را یکی از سپاهیان خودم قرار داده‌ام که با آن به هر بنده‌ای می‌خواهم صدمه می‌زنم. در این هنگام ابن عباس گفت: این قوم چگونه‌اند که بر ما فخر می‌فروشند و می‌گویند که از ما داناترند؟! محمد گفت: اینان را کسی که مرا زاده، نزاییده

۶۹. *ینابیع المودة لدوی القربی*، ج ۱، ص ۳۹۷؛ برای مضمون مشابه در منابع شیعی رک: *کفایة الأثر*، ص ۱۹.

۷۰. *ابن عباس و أموال البصرة*، ص ۷۸.

۷۱. *معجم رجال الحدیث*، ج ۱۱، ص ۲۵۵.

است. این سخن به گوش حسن بن علی رسید و به دنبال آن دو فرستاد در حالی که هر دو در مسجد الحرام بودند. به ایشان گفت: سخنان شما آن هنگام که ملخ را یافته بودید به من رسید؛ اما توای ابن عباس! آیه «فلبئس المولى ولبئس العشير»<sup>۷۲</sup> در باره که نازل شد!؟ سپس آیات فراوانی از قرآن براو خواند و آن گاه گفت: اگر عاقبت امرت را نمی دانستم از آن به تو خبر نمی دادم اما به تومی گویم؛ به خاطر این سخنت در آینده در جسمت نقصان پدید خواهد آمد و گرگ زاده از نسل تو خواهد بود...»<sup>۷۳</sup>

## ۲-۲. نقد روایت

الف. هنگام صلح امام حسن علیه السلام با معاویه، عبدالله بن عباس نیز در مجلس حضور داشت. وی پس از آن در مدینه مقیم شد. اخبار و گزارش های موجود از این دوران حاکی از آن است که عبدالله از سیاست کناره گرفته بود، اما در مواجهه با معاویه و فرزندش یزید، از مجادله لفظی با آنان ابایی نداشت. به نظر می رسد مواضع ابن عباس همچنان بر محور اختلاف قبیله ای دو طایفه هاشمی و اموی بوده که ریشه آن به اختلاف و دشمنی جدشان هاشم و امیه باز می گشت که دو برادر دوقلو بودند.<sup>۷۴</sup> طبق برخی روایات کهن آن دو هنگام تولد به هم چسبیده بودند؛ چون با شمشیر جداشان کردند خون جاری شد. از این ماجرا فال زدند که میان نسل آن دو تا ابد شمشیر حاکم خواهد بود.<sup>۷۵</sup> اختلاف این دو طایفه پس از اعلام نبوت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، تا حد زیادی جنبه ایدئولوژیک یافته بود.<sup>۷۶</sup> چنان که مدائنی در روایتی گفته است: «روزی معاویه به ابن عباس گفت: ای بنی هاشم! شما همواره از ناحیه چشم مورد اصابت واقع می شوید- [که اشاره به نابینایی ابن عباس و پدران او بود؛] ابن عباس در پاسخ گفت: ای بنی امیه! شما نیز از ناحیه بصیرت دچار [کوری] می شوید. معاویه گفت: چقدر شهوت در مردان شما آشکار است؟! ابن عباس پاسخ داد: در زنان شما آشکارتر است!»<sup>۷۷</sup> در گزارشی دیگر گفته اند که معاویه بر گروهی از قرشیان گذشت که همگی به احترام او به پا خاستند، مگر عبدالله بن عباس. سپس مجادله لفظی میانه

۷۲. سوره حج، آیه ۱۳.

۷۳. اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۲۷۵ و ۲۷۶.

۷۴. تاریخ الأمم والملوک، ج ۲، ص ۱۳.

۷۵. النزاع والتخاصم، ص ۴۷.

۷۶. همان، ص ۶۳ به بعد.

۷۷. مناقب الامام أمير المؤمنين علی بن ابی طالب علیه السلام، ج ۲، ص ۳۰۶.

آن دو در گرفت.<sup>۷۸</sup>

شمار زیادی از روایات حاکی از آنند که ابن عباس در جدل با معاویه، از حمایت از امام علی علیه السلام ابا نداشته و بر برتری او تأکید می کرده است. ظاهراً این جبهه گیری در مقابل موضع معاویه در برتر خواندن عثمان و مظلوم دانستن او تشدید می شده است. چنان که در گزارشی آمده است که معاویه گفت: عثمان از علی بهتر و پاک تر بود که ابن عباس پاسخ داد: این گونه نیست! علی از او زکی تر و پاک تر بود.<sup>۷۹</sup> چنین روایاتی نشان می دهد پس از قتل عثمان، جامعه اسلامی به دو گروه علوی و عثمانی تقسیم شده بودند که در این میان علویان، برای تأکید بر ذایل عثمان و فضایل امام علی علیه السلام چه بسا به تمجید یا جانبداری از دو خلیفه نخست یا دست کم توجیه مدارای هاشمیان با آن دو مبادرت می کردند. چنان که در خبری آمده است که در یک جدل لفظی معاویه به مظلومیت عثمان اشاره کرد و ابن عباس در پاسخ به او، عمر بن خطاب را مستحق تر به مظلوم شمردن دانست.<sup>۸۰</sup>

ب. حکایت ملخ و نوشته روی بالهای او به انحای مختلف در روایاتی آمده که برخلاف خبر فوق، داستان نکوهش ابن عباس در ادامه آن ها ذکر نشده است و به نظر می رسد روایت فوق، از نوع اخبار مزید فیه است؛ برای مثال، در تاریخ مدینه دمشق این روایت تا جایی ذکر شده که محمد بن حنفیه از قول امام علی علیه السلام از نوشته روی بال ملخ خبر داده است و ادامه روایت فوق در آن دیده نمی شود.<sup>۸۱</sup> همچنین در روایتی که در المحاسن از منابع کهن شیعی آمده، در انتهای روایت ابن عباس از حکایتی که محمد بن حنفیه در باره نوشته روی بال ملخ از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نقل کرده تمجید نموده و برخلاف روایت فوق با تبسم گفته است: «ای پسر عمو! به خدا سوگند که این از دانش های پنهان ماست؛ پس آن را نگاهداری کن!» در این روایت سخنی از امام حسن علیه السلام به میان نیامده است.<sup>۸۲</sup> در نقلی دیگر که یکی از منابع سنی آن را آورده، آن که از نوشته روی بال ملخ سخن گفته امام حسین علیه السلام است که ابن عباس او را در آغوش گرفته و از مکنون بودن این دانش سخن گفته است.<sup>۸۳</sup> مؤلف بحار الانوار روایتی دیگر آورده که ناقل خبر امام حسین علیه السلام است و در مجلس مذکور، امام حسن علیه السلام

۷۸. أخبار الدولة العباسية، ص ۴۶.

۷۹. همان.

۸۰. همان.

۸۱. تاریخ مدینه دمشق، ج ۶۷، ص ۳۰.

۸۲. المحاسن، ج ۲، ص ۴۸۰.

۸۳. شعب الإیمان، ج ۷، ص ۲۳۳.

نیز حاضر بوده و سخنی از محمد بن حنفیه نیست.<sup>۸۴</sup> گفتنی است که خوبی پس از ذکر روایت کثی به سبب ضعف رواات، آن را تضعیف کرده است.<sup>۸۵</sup>

ج. به نظر می‌رسد اخبار فوق مربوط به دوره پس از صلح امام حسن علیه السلام و معاویه است. در باره دوران خلافت امام حسن علیه السلام و رخدادهای پیش از انعقاد صلح نیز اخباری وجود دارد که از نوعی شکاف میان امام حسن علیه السلام و ابن عباس حکایت دارد. در تاریخ طبری آمده است که چون عبدالله بن عباس دانست که حسن بن علی قصد پیمان با معاویه را دارد، با معاویه مکاتبه نمود و از او امان خواست...<sup>۸۶</sup> اعتبار این خبر با توجه به این که ناقل آن زهری وابسته به امویان بوده و گاه مسئولیت شرطه در حکومت آنان را نیز بر عهده داشته<sup>۸۷</sup> جای تأمل دارد.

د. به گزارش برخی منابع شیعی عبدالله بن عباس نقش برجسته‌ای در اخذ بیعت برای امام حسن علیه السلام داشته است. مؤلف مقاتل الطالبیین نوشته است که ابن عباس به پا خاست و سخنرانی نمود و امام حسن علیه السلام را به عنوان وصی امام علی علیه السلام یاد کرد.<sup>۸۸</sup> همچنین روایاتی وجود دارند که از واکنش ابن عباس به شادی معاویه در هنگام درگذشت امام حسن علیه السلام سخن گفته‌اند. بر اساس این روایات ابن عباس که در هنگام درگذشت امام حسن علیه السلام در شام بود، وقتی دید که معاویه همراه با اهل کاخ خود از شادی تکبیر سر می‌دهد، گریست و او را مورد نکوهش قرار داد و از امام حسن علیه السلام تمجید کرد.<sup>۸۹</sup>

### ۳. نکوهش ابن عباس از سوی امام باقر علیه السلام

#### ۳-۱. تقریر روایات

همانند روایتی که از نکوهش ابن عباس از سوی امام حسن علیه السلام سخن می‌گفت، برخی اخبار بیان گر چنین رفتاری از سوی امام باقر علیه السلام در باره ابن عباس است. ناقل یکی از روایات امام صادق علیه السلام است که گفته است: «پدرم نشست و در نزد او جماعتی بودند؛ ناگاه به خنده افتاد و چنان خندید که چشم‌هایش پراز اشک شد، بعد از آن گفت: آیا می‌دانید که

۸۴. بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۹۳.

۸۵. معجم رجال الحدیث، ج ۱۱، ص ۲۵۱.

۸۶. تاریخ الأمم والملوک، ج ۴، ص ۱۲۱.

۸۷. موسوعة عبد الله بن عباس، ج ۴، ص ۳۶۲.

۸۸. مقاتل الطالبیین، ص ۳۳؛ برای مضمون مشابه رک: الإرشاد، ج ۲، ص ۸.

۸۹. مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۲، ص ۴۳۰.

چه چیز مرا به خنده آورده؟ جماعت گفتند: نه، پدرم گفت: ابن عباس گمان کرده بود که از کسانی است که گفتند: پروردگار ما خداست، بعد از آن استقامت ورزیدند. به او گفتیم: ای پسر عباس، آیا فرشتگان را دیده‌ای که تورا خبر دهند به دوستی خویش با تودر دنیا و آخرت با ایمنی از ترس و اندوه؟ ابن عباس گفت: به درستی که خدای تبارک و تعالی می‌فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» و همه امت در این حکم داخل‌اند. پس من خندیدم. زیرا، آیه بر مطلب دلالت نمی‌کند.<sup>۹۰</sup> در ادامه روایت از مباحثه فقهی امام باقر علیه السلام و ابن عباس و غلبه امام باقر علیه السلام بر او در احتجاج سخن گفته و در ادامه آورده است: «[در این هنگام امام باقر علیه السلام گفت: ... این حکم خداست در شبی که امر او در آن فرود می‌آید که اگر آن را انکار کنی بعد از آن که از پیامبر خدا شنیده‌ای، خداوند تورا داخل جهنم گرداند، چنان که چشم تورا کور گردانید در روزی که آن شب را در نزد علی بن ابی طالب انکار کردی. ابن عباس از روی انکار و تعجب یا تصدیق گفت: به سبب همین انکار چشم من کور شد؟ امام باقر علیه السلام پاسخ داد: تو علم به این نداری. به خدا سوگند که کوری چشم ابن عباس نبود، مگر از زدن بال فرشته. پس خندیدم و آن روز او را وانهادم زیرا عقل پا برجایی نداشت.» (همان) متن این روایت بسیار طولانی است و در ادامه آن از انکار شب قدر و والیان آن شب که به قول امام صادق علیه السلام در این روایت امام علی علیه السلام و یازده تن از نسل اویند، از سوی ابن عباس و وانهادن حکمیت میان آن دو به خداوند خبر داده است.<sup>۹۱</sup>

همچنین برابر خبری دیگر که در برخی منابع متقدم شیعی آمده، امام باقر علیه السلام در سخنی طعن آمیز نسبت به ابن عباس به شخصی که نزدش آمده بود گفته است: فلانی می‌پندارد که می‌داند هر آیه‌ای در چه روزی و در کجا نازل شده است؟! از او پرس که آیات «ومن كان في هذه أعمى فهو في الآخرة أعمى وأضل سبيلاً»<sup>۹۲</sup>، «ولا ينفعكم نصحي ان أردت أنصح لكم» (هود، ۳۴) و «يا أيها الذين آمنوا اصبروا وصابروا ورابطوا»<sup>۹۳</sup> در باره چه کسی نازل شده است؟ آن مرد نزد ابن عباس رفته و به امام باقر علیه السلام گفته که ابن عباس پاسخ این سؤالات را نداد. امام باقر علیه السلام به آن مرد گفته است: «دو آیه نخست در باره پدر وی [عباس] نازل شده و سومی در باره پدر من و در باره ما...»<sup>۹۴</sup>

۹۰. الکافی، ج ۱، ص ۲۴۷.

۹۱. همان.

۹۲. سوره الاسراء، آیه ۷۲.

۹۳. سوره آل عمران، آیه ۲۰۰.

۹۴. اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۲۷۴ و ۲۷۵؛ الاختصاص، ص ۷۳.

کشی گفته است که روایتی دیگر با همین مضمون اما سندی دیگر نیز نقل شده است.<sup>۹۵</sup>

### ۲-۳. نقد روایات

الف. صاحب معجم رجال الحدیث در روایت و سه طریق مذکور را تضعیف کرده است. به باور وی روایت نخست به دلیل وجود نام حسن بن عباس بن حریش ضعیف است.<sup>۹۶</sup> به نوشته او در روایت دوم نیز جعفر بن معروف توثیق ندارد<sup>۹۷</sup> و در روایت سوم علاوه بر برخی اشکالات در باره علی بن محمد بن قتیبة، روایت مرسل و از این رو ضعیف است.<sup>۹۸</sup>

ب. افزون بر این، آثار برساختگی در آن آشکار است؛ زیرا از روایت و ذکر خنده امام باقر علیه السلام در آن برمی آید که عده ای در حضور او بوده اند و این قصه به زمان امامت او مربوط بوده است که لااقل باید زمان کهنسالی اش باشد؛ در حالی که ابن عباس در سال ۶۸ هجری درگذشته است و امام باقر علیه السلام در سال ۵۷ هجری زاده شده است؛ پس نتیجه می گیریم که این قضیه دروغ است.<sup>۹۹</sup>

ج. مشی ابن عباس تا پایان عمر چنان بود که پذیرش اختلاف وی با امامان شیعه در حدی که مورد نکوهش آنان واقع شود، با دشواری مواجه است؛ چنان که وقتی ابن زبیر بر عبد الله بن عباس سخت گرفت تا با وی بیعت کند و او زبیر بار نرفت، خبر به یزید بن معاویه رسید و از این خبر شادمان شد و به ابن عباس نامه نوشت و به گونه ای در جلب او کوشید. اما ابن عباس پاسخی تند به وی داد و ماجرای کشتن امام حسین علیه السلام را به او یادآور شد و تصریح کرد که هیچ دوستی و قرابتی بین او و یزید حاصل نخواهد شد.<sup>۱۰۰</sup>

### نتیجه

۱. عبدالله بن عباس از مشاهیر صحابیان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و پسر عموی ایشان بود که با القاب و تعابیری چون عالم، فقیه، صحابی، ترجمان القرآن، حبر الأمة، رئیس المفسرین و... معرفی شده و از مكثران روایت قلمداد شده است. در منابع روایی شیعه، اخبار فراوانی از او

۹۵. اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۲۷۵.

۹۶. معجم رجال الحدیث، ج ۱۱، ص ۲۵۶.

۹۷. همان، ۲۵۱.

۹۸. همان.

۹۹. همان، ۲۵۶.

۱۰۰. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۴۷-۲۴۸.

نقل شده که شمار قابل توجهی از آن، همسوبا عقاید امامیه است.

۲. با این حال در برخی منابع رجالی و روایی کهن شیعه، روایاتی در مذمت او وارد شده است که شماری از آن‌ها در رجال کشی آمده است. در این روایات ابن عباس به سرقت اموال بصره در دوره خلافت امام علی علیه السلام و خیانت به ایشان متهم شده است. همچنین روایاتی در لعن وی از سوی امام علی علیه السلام و مذمت او از سوی برخی امامان شیعه و بزرگان علویان وارد شده است. شماری از این روایات در منابع اهل سنت به گستردگی نقل شده که به نظر می‌رسد نقل مضامین یاد شده در منابع شیعی متأثر از آن‌ها بوده است.

۳. بررسی روایات مذمت ابن عباس و نقد دلالتی آن از نادرست بودن این روایات حکایت دارد. دلایل فراوانی وجود دارد که این اخبار را با ضعف مواجه می‌سازد. افزون بر ضعف سندی شماری از این روایات، اخبار دال بر حضور ابن عباس در عراق تا دوره خلافت امام حسن علیه السلام، احتمال خلط بین عبدالله و برادرش عبیدالله، مشی سیاسی و اجتماعی ابن عباس در دوره خلافت امام علی علیه السلام و پس از آن که از وفاداری به علویان حکایت دارد، عدم ذکراتهام سرقت اموال بصره در مناظرات علویان و عباسیان در دوره حکومت عباسی، مجادلات ابن عباس با امویان در باره اهل بیت و علویان، اضطراب متنی روایات برخی از روایات مذمت ابن عباس و مخالف بودن مضمون برخی با واقعیت مسلم تاریخی از مهم‌ترین موانع پذیرش روایات مذمت ابن عباس است.

۴. به نظر می‌رسد روایات مذمت ابن عباس از سوی امویان یا زبیریان و به منظور بدنام کردن یاران امام علی علیه السلام و هاشمیان سرشناس جعل و نشر شده و از منابع سنی به منابع روایی و رجالی شیعه نیز راه یافته است.

### کتابنامه

#### قرآن کریم

- ابن عباس و أموال البصرة، مرتضی‌العاملی، سید جعفر، بی‌جا: ناشر مؤلف، ۱۳۹۶ق
- الاتقان فی علوم القرآن، سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، لبنان: دارالفکر، ۱۴۱۶ق
- أخبار الدولة العباسية، مؤلف مجهول، بیروت: دار الطلیعة للطباعة والنشر، بی‌تا
- أخبار القضاة، ابن حیان، حمد بن خلف، بیروت: عالم الکتب، بی‌تا
- الاختصاص، مفید، محمد بن محمد بن نعمان، بیروت: دار المفید للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۱۴ق

- اختيار معرفة الرجال، طوسي، محمد بن حسن، قم: مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، ١٤٠٤ق
- الارشاد، مفيد، محمد بن محمد بن نعمان، بيروت: دار المفيد للطباعة والنشر والتوزيع، ١٤١٤ق
- أسد الغابة في معرفة الصحابة، ابن اثير، علي بن ابي الكرم، بيروت: دار الكتاب العربي، بي تا
- الاصابة في تميز الصحابة، ابن حجر، احمد بن علي، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤١٥ق
- اعيان الشيعة، امين، سيد محسن، بيروت: دار التعارف للمطبوعات، بي تا
- الأغاني، ابوالفرج اصفهاني، علي بن الحسين، بي جا: دار إحياء التراث العربي، بي تا
- الامالي، محمد بن علي بن بابويه (شيخ صدوق)، تهران: كتابچی، چاپ ششم، ١٣٧٦ش.
- أنساب الأشراف، بلاذري، أحمد بن يحيى، معهد المخطوطات بجامعة الدول العربية، ١٩٥٩م
- بحار الانوار، محمد باقر مجلسي، بيروت: دار احياء التراث العربي، چاپ اول، ١٤٠٣ق.
- البدايه والنهائيه، ابن كثير، اسماعيل، بيروت: دار احياء التراث العربي، ١٤٠٨ق
- تاريخ الاسلام ووفيات المشاهير والأعلام، ذهبي، محمد بن أحمد، بيروت: دار الكتاب العربي، ١٤٠٧ق
- تاريخ الأمم والملوك، طبري، محمد بن جرير، بيروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، بي تا
- تاريخ اليعقوبي، يعقوبي، ابن ابي يعقوب احمد، بيروت: دار صادر، بي تا
- تاريخ بغداد، خطيب بغدادی، احمد بن علي، بيروت: دار الكتب العلميه، ١٤١٧ق
- تاريخ مدينه دمشق، ابن عساکر، علي بن حسن، بيروت: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، ١٤١٥ق
- التبيان في تفسير القرآن، طوسي، محمد بن حسن، بيروت: دار احياء التراث العربي، بي تا
- تجارب الامم، الرازي، احمد بن محمد بن مسكويه، تهران: سروش، ١٣٧٩ش
- تفسير أبي حمزة الثمالي، ابو حمزه ثمالی، ثابت بن دينار، قم: الهادي، ١٤٢٠ق
- تفسير القمي، ابن ابراهيم قمي، علي، قم: دارالكتب، ١٤٠٤ق
- تفسير فرات الكوفي، ابن ابراهيم كوفي، فرات، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي، ١٤١٠ق
- دراسات وبحوث في التاريخ والاسلام، مرتضى العاملی، سيد جعفر، بيروت: مركز جواد للصف والطباعة والنشر والتوزيع، ١٤١٤ق

- الدرجات الرفيعة في طبقات الشيعة، مدني شيرازي، سيد علي خان، قم: منشورات مكتبة بصيرتي، ١٣٩٧ق
- ذخائر العقبي، محب الدين طبري، احمد بن عبدالله، القاهرة: مكتبة القدسي لصاحبها حسام الدين القدسي، ١٣٥٦ق
- سعد السعود، ابن طاوس، علي بن موسى، قم: منشورات الرضي، ١٣٦٣
- سير أعلام النبلاء، ذهبي، محمد بن أحمد، بيروت: مؤسسة الرسالة، ١٤١٣ق
- شرح اصول الكافي، مازندراني، محمد صالح، بيروت: دار إحياء التراث العربي للطباعة والنشر والتوزيع، ١٤٢١ق
- شرح نهج البلاغة، ابن ابي الحديد، عزالدين عبدالحميد، قم: انتشارات كتابخانه آية الله مرعشي، ١٤٠٤ق
- شعب الإيمان، بيهقي، احمد بن حسين، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤١٠ق
- الطبقات الكبرى، ابن سعد، محمد، بيروت: دار صادر، بي تا
- عيون الأخبار، ابن قتيبة دينوري، عبد الله بن مسلم، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤٢٦ق
- الغدِير، اميني، احمد، بيروت: دار الكتاب العربي، ١٣٩٧ق
- الكافي، كليني، محمد بن يعقوب، تهران: دار الكتب الإسلامية، ١٣٦٥ش
- الكامل في التاريخ، ابن اثير، علي بن ابي الكرم، بيروت: دار صادر، ١٣٨٥ق
- كتاب التفسير عياشي، عياشي، محمد بن مسعود، تهران: المكتبة العلمية الإسلامية، بي تا
- كفاية الأثر، خزاز قمي، علي بن محمد، قم: انتشارات بيدار، ١٤٠١ق
- مجمع البيان في تفسير القرآن طبرسي، فضل بن حسن، ، بيروت: مؤسسة الأعلمى للمطبوعات، ١٤١٥ق
- المحاسن، ابن خالد برقي، احمد بن محمد، تهران: دار الكتب الإسلامية، ١٣٧٠ش
- مروج الذهب ومعادن الجوهر، مسعودي، علي بن حسين، قم: منشورات دار الهجرة، ١٤٠٤ق
- مسند ابن راهويه، ابن راهويه، اسحاق، المدينة المنورة: مكتبة الإيمان، ١٤١٢ق
- مشاهير علماء الأمصار، ابن حبان، محمد، المنصورة: دار الوفاء للطباعة والنشر والتوزيع، ١٤١١ق
- المعارف، ابن قتيبة دينوري، عبد الله بن مسلم، مصر: دار المعارف، ١٩٦٩م
- معجم المؤلفين، كحاله، عمر، بيروت: دار إحياء التراث العربي، بي تا
- معجم رجال الحديث، خويي، سيد ابوالقاسم، قم: كتابخانه اهل بيت عليه السلام، ١٤١٣ق

- مقاتل الطالبيين، ابوالفرج اصفهاني، علي بن الحسين، قم: مؤسسة دارالكتاب للطباعة والنشر، ١٣٨٥ق
- مناقب الامام أمير المؤمنين علي بن أبي طالب، ابن سليمان الكوفي، محمد، قم: مجمع احياء الثقافة الاسلامية، ١٤١٢
- مناقب آل أبي طالب، ابن شهر آشوب، محمد بن علي، النجف الأشرف: المكتبة الحيدرية، ١٣٧٦ق
- مناقب علي بن أبي طالب وما نزل من القرآن في علي عليه السلام، ابن مردويه اصفهاني، احمد بن موسى، قم: دارالحديث، ١٣٨٢ش
- المنتظم في تاريخ الأمم والملوك، ابن جوزي، عبد الرحمن بن علي، بيروت: دارالكتب العلمية، ١٤١٢ق
- منتهى المقال في احوال الرجال، مازندراني، محمد بن اسماعيل، قم: مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، ١٤١٦ق
- موسوعة عبد الله بن عباس، موسوي خرساني، سيد محمد مهدي، عراق: مركز الأبحاث العقائدية، ١٤٢٨ق
- النزاع والنخاصم، مقرئزي، احمد بن علي، قم: مكتبة اهل البيت عليهم السلام، بي تا
- الوافي، فيض كاشاني، محمد حسن، اصفهان: مكتبة الامام أمير المؤمنين علي، ١٤٠٦ق
- ينابيع المودة لذوي القربى، قندوزي، سليمان بن ابراهيم، بي جا: دار الأسوة للطباعة والنشر، ١٤١٦ق.
- The succession to Muhammad A study of the early Caliphate, Madelung, Wilferd , Cambridge University, 1997.